

بررسی وضعیت عرفی شدن دانشجویان و برخی عوامل مؤثر بر آن (در میان دانشجویان دختر و پسر دانشگاه بوعلی سینا)

جواد افشار کهن*، استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه بوعلی سینا

اسماعیل بلالی، استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه بوعلی سینا

محمد علی سلیمان پور، دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی

چکیده

این پژوهش به بررسی و مطالعه وضعیت عرفی شدن دانشجویان و عوامل مؤثر بر آن می‌پردازد. هدف این تحقیق نشان دادن وضعیت پدیده عرفی شدن در میان دانشجویان و چگونگی تأثیرگذاری برخی عوامل بر جهات و مؤلفه‌های مختلف آن است. ضرورت این پژوهش ناظر بر اهمیت و جایگاه والای دین در حیات اجتماعی است و بدیهی است که هر نوع عامل تأثیرگذار در این باره باید مدنظر برنامه ریزان و سیاست گذران کشور قرار گیرد، لذا می‌توان گفت اهمیت یافته‌های این تحقیق می‌تواند در رابطه با اهداف مدیران فرهنگی کشور باشد. روش تحقیق در این پژوهش از نوع پیمایش و تکنیک جمع آوری داده‌ها از طریق پرسشنامه است. جامعه آماری این مطالعه، دانشجویان دانشگاه بوعلی سینا هم‌دانشگاه است که با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقاتی متناسب، ۳۷۶ نفر به عنوان نمونه انتخاب شده‌اند. نتایج مربوط به میانگین ابعاد عرفی شدن بیانگر آن است که میزان عرفی شدن بینشی دانشجویان در حد پایینی ارزیابی می‌شود. میزان عرفی شدن رفتاری متوسط به بالا است و عرفی شدن در بعد اهمیت نهادهای دینی، گزینش‌گری و مدارای دینی در حد متوسط است. نتایج تحقیق همچنین نشان داد که میزان عرفی شدن مردان بیش از زنان بوده؛ ولی بین وضعیت تاهل و استفاده از وسایل ارتباطی کلاسیک با عرفی شدن رابطه معناداری دیده نمی‌شود. علاوه بر این نتایج نشان می‌دهند که میان عرفی شدن و مؤلفه‌های آن با برخی متغیرها

همچون مدت تحصیل در دانشگاه، گرایش عرفی دوستان، گرایش عرفی والدین، گرایش عقلانی دانشجویان، استفاده از وسایلی ارتباطی نوین و... رابطه معناداری وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: عرفی شدن، دانشجویان-تحقیق پیمایشی-دانشگاه همدان.

مقدمه

باورها و نهادها، تقدس زدایی از عالم و حرکت از جامعه‌ای مقدس به جامعه‌ای سکولار به کاررفته است (سراج زاده، ۱۳۸۳:۱۳۱؛ آقاجری، ۱۳۸۱:۲۲۱). عرفی شدن در یک بیان عام، فرایندی است که طی آن جایگاه دین نزد فرد و در عرصه اجتماع تنزل می‌یابد و برداشت‌هایی صرفاً دنیوی از تعالیم و غایات دینی غالب می‌گردد (شجاعی زنده، ۱۳۸۵:۲۳؛ همیلتون، ۱۳۷۷:۳۰۲؛ آبر کرامبسی و دیگران، ۱۳۷۰). طی این پروسه بخش‌های مختلف جامعه و فرهنگ از زیر سلطه نهادها و نمادهای دینی خارج می‌شوند (Berger, 1976:107). پیتر برگر تغییرات حوزه دین را نخستین بار در مهم‌ترین نهادهای حامل مدرنیته (اقتصاد، صنعت، دولت و...) دنبال می‌کند.

طرح مساله

دانشگاه که کارکرد تولید علم و فناوری را در جامعه بر عهده دارد، به زعم برگر، یکی از حاملان مدرنیته محسوب می‌شود. اکثر متفکران جامعه‌شناسی دین معتقدند با افزایش سطح تحصیلات، افراد روند عرفی شدن آگاهی آن‌ها نیز احتمال بیشتری می‌یابد. بنابراین می‌توان دانشجویان را یکی از حاملان آگاهی مدرن در جوامع در حال توسعه در نظر گرفت که بیشترین تأثیر را از آن می‌پذیرند. این بدین معنی نیست که با رواج آگاهی

شرایط، جایگاه، نقش و کارکردهای مربوط به قلمرو دین در جوامع مختلف، در معرض تحولات گوناگونی بوده است. یکی از این تغییرات پیدایش فرایندهای وابسته به پدیده عرفی شدن است که بیش از چهار قرن از طرح اولین ایده‌های مربوط به آن می‌گذرد. بحث از عرفی شدن امروزه عمدتاً در حوزه نظریه‌های جامعه‌شناسی دین و جامعه‌شناسی معرفت جای دارد؛ اما این مباحث تاریخی بسیار طولانی‌تر از تاریخ جامعه‌شناسی را پشت سر گذاشته است (جلیلی، ۱۳۸۵:۱۲). عرفی شدن از کلمه لاتین Saeculum یا Saecularam به معنی قرن و سده است (جلیلی، ۱۳۸۵:۲؛ شجاعی زنده، ۱۳۸۰:۹ و آقاجری، ۱۳۸۱:۱۶۴) و از آن تعبیر به زمان حاضر و اتفاقات این جهان در مقابل ابدیت و جهان دیگر می‌شود (جلیلی، ۱۳۸۵:۱۲ و شجاعی زنده، ۱۳۸۰:۹). اصطلاح عرفی شدن نخستین بار توسط ماکس وبر به کار گرفته شد (Featherstone, 2007:79) و پس از وی ارنست ترولش در ۱۹۵۸ با استفاده از این مفهوم رونق بیشتری به آن بخشید. براساس نظریه شاینر، عرفی شدن توسط نویسندگان مختلف به شش معنای افول دین، همنوایی با دنیا، رهایی جامعه از قید دین، جابه‌جایی

نماید که با خود فرایندهای موجود در سطح دانشگاه را به سطح جامعه منتقل می‌سازد. از همین رو، فهم این فرایند با استفاده از داده‌ها و تحلیل‌های علمی می‌تواند مدیران فرهنگی کشور را در راستای اهداف مد نظر خود یاری رساند.

تحقیقات پیشین

در بخش تحقیقات داخلی می‌توان موارد متعددی را مورد اشاره قرار داد. میر سندسی (۱۳۸۳) در تحقیق خود نشان می‌دهد که ۵۰ درصد پاسخگویان دین را یک امر خصوصی می‌دانند و ۶۷ درصد بر این باورند که زندگی جدید بازننگری در برخی از رفتارها و اعتقادات را ناگزیر ساخته است. در پژوهشی دیگر، سراج زاده نیز به این نتیجه رسیده است که در بعد مناسکی و پیامدی دین که ناظر به کاربرد دین در زندگی اجتماعی و انجام مراسم عبادی فردی و شرکت در مراسم عبادی جمعی هستند، نمره دینداری پاسخگویان کمتر بوده است. به نظر می‌رسد که این میزان بالای از «مؤمنین مسجد نرو» پدیده جدیدی در ایران است که نشان دهنده گسترش نگرش‌های شخصی‌تر نسبت به دین در جامعه است (سراج زاده، ۱۳۸۳: ۱۸۷). همچنین نتایج یک بررسی دیگر نشان می‌دهد که دین خصوصی رو به رشد بوده و میزان تمایل به انجام دادن مناسک جمعی دینی در حد کم ارزیابی می‌شود (توسلی، ۱۳۸۵: ۹۶). از این رو می‌توان گفت تغییر و تحولاتی در زمینه آگاهی‌های دینی دانشجویان در حال وقوع است که میزان، چگونگی و جهت‌گیری آن‌ها می‌تواند، موضوع بررسی باشد. در واقع از آن جا که دانشگاه

مدرن در بین دانشجویان ضرورتاً از سطح دینداری آنها کاسته می‌شود، اما به احتمال زیاد نوع نگرش آنها به دین و گرایشهای دینی آنها تغییر می‌کند. سمت و سوی چنین تغییری البته می‌تواند محل بحث و تحقیق باشد. نگاهی به برخی نتایج تحقیقاتی که در حوزه جامعه‌شناسی دین در ایران انجام شده، مویده این ادعا است که تغییراتی در این حوزه مخصوصاً در میان دانشجویان در حال وقوع است. از همین رو انتظار آن است که با توجه به جایگاه والای دین در حیات اجتماعی، این تغییرات با دقت نظر مورد توجه قرار گیرد و مدیران و سیاست‌گذاران کشور در این باره حساسیت لازم را داشته باشند. اگر به برخی تحقیقات انجام شده در این زمینه نگاهی بیندازیم، ابعاد مسأله‌زا بودن پدیده فوق را بهتر می‌توان درک نمود. به طور کلی، نتایج اغلب تحقیقات نشان می‌دهد که میزان اعتقادات دینی دانشجویان بالاست؛ اما در سایر ابعاد تغییراتی در حال وقوع است.

ضرورت بررسی موضوع عرفی شدن در میان دانشجویان از آن جا برمی‌خیزد که دانشگاه به عنوان نهادی مدرن معمولاً بستر مناسبی برای تعامل شیوه‌های نگرش مختلف بوده است و این امر در کنار تأثیرگذاری نهاد دانشگاه بر فرایندهای عمومی جامعه می‌تواند بررسی وضعیت عرفی شدن را در میان دانشجویان به ضرورتی انکارناپذیر بدل سازد. علاوه بر این می‌توان گفت دانشجویان پس از سپری کردن مدتی از عمر خود و کسب تخصص‌های لازم در زمینه‌های مختلف، وارد سازمان‌ها و مراکز تخصصی مختلف می‌شوند و این امر می‌تواند نوعی جریان تسری بخش را در جامعه ایجاد

بر گزارش‌های عرضه شده در این تحقیق، بیش از دو-سوم نوجوانان در ماه‌های گذشته مراقب اعمال مذهبی خود بوده‌اند و دو-پنجم آن‌ها در گروه‌های اجتماعی با سازماندهی مذهبی حضور داشته‌اند. این نتایج، مدعیات نظریه عرفی شدن را تایید نمی‌کند. در این تحقیق، نژاد و جنسیت واجد رابطه معنا دار با متغیر رفتار دینی دانسته شده‌اند. ورود به دانشگاه و تغییر نگرش "عنوان پژوهشی است که ریچارد بی فانک و فرن کاویلیتس در سال ۱۹۸۷ منتشر کرده‌اند و در آن به بررسی رابط میان ورود به دانشگاه و تغییرات در نگرش مذهبی افراد پرداخته‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهند، افرادی که وارد دانشگاه می‌شوند، در حوزه‌هایی چون گرایش به مذهب و نقش‌های جنسیتی، تفاوت‌های معناداری با افراد دیگر را تجربه می‌کنند. "تغییرات در اعتقادات مذهبی" عنوان پژوهشی است که ج. دبلیو. پیلگنتون در سال ۱۹۷۶ انجام داده است و در آن به بررسی مقایسه‌ای تغییرات در اعتقادات و اعمال مذهبی در دوره یازده ساله ۱۹۷۲-۱۹۶۱ پرداخته شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهند نوعی حرکت جمعی در نسبت دانشجویانی که دارای نوعی اعتقادات مذهبی بوده‌اند در طی این دوره رخ داده است (شجاعی زند، ۱۳۸۵: ۵۸ و.).

چهار چوب نظری^۱:

طرفداران ایده عرفی شدن، هر چه بیشتر به لزوم بازنگری در ایده‌های اولیه خود پی می‌برند. در یکی از

۱. لازم است توجه گردد که آنچه در این بخش آورده می‌شود، ناظر به مفهوم عرفی شدن به مثابه یک فرایند است، نه سکولاریزم که به عنوان یک مکتب فکری عرضه می‌شود.

هم نهادی بوروکراتیک است و هم نهادهای دینی در آن فعال هستند و کنشگران آن (دانشجویان) از محیط‌هایی با غلبه فضای مذهبی (همچون خانواده و مدرسه) آمده‌اند، مورد مناسبی برای مطالعه نحوه تعامل آگاهی مدرن و آگاهی دینی است.

رابطه میان فرایند عرفی شدن با تحصیلات عالی، در پژوهشی توسط نائبی و آزاد ارمکی مورد توجه قرار گرفته است (نائبی و آزاد ارمکی، ۱۳۸۵). در این تحقیق، بیان می‌شود که عرفی شدن نه تنها نهادهای جامعه و حوزه فرهنگ؛ بلکه ذهنیت جامعه را نیز در بر می‌گیرد لذا می‌توان از دو وجه عرفی شدن نام برد: عرفی شدن اجتماعی - ساختاری و عرفی شدن ذهنیت (همان: ۷۸).

در این باره همچنین باید به پژوهش سیلانیان و نامقی اشاره نمود که وضعیت فرایند عرفی شدن را با تأکید بر شرایط جامعه ایران مورد بررسی قرار داده‌اند (سیلانیان طوسی و نامقی، ۱۳۸۴). در این بررسی پس از ارائه کلیاتی درباره سیر نظریات مرتبط با عرفی شدن در جامعه غربی، به بیان ویژگی‌های جامعه ایرانی پرداخته شده است و درستی و نادرستی مدعیات و آموزه‌های مطرح در نظریات سکولاریزاسیون بر اساس شرایط جامعه ایران مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

در بخش تحقیقات خارجی می‌توان موارد زیر را مورد اشاره قرارداد. "جوانان و دین: این نسل با جرات به کلیسامی رود" عنوان پژوهشی است که رام آکانانو همکارانش در سال ۲۰۰۴ انجام داده‌اند (Ram A cnaan:2004). یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهند که دین برای جوانان هنوز از اهمیت زیادی برخوردار است. بنا

شناخت تجربی، اهمیت ادیان در همه جنبه های زندگی - از عادات شخصی تا نهادهای اجتماعی - به صورت دراماتیکی با زوال مواجه می شود. به عبارت دیگر، با مدرنیسم، تکنولوژی، علم، ارتباطات پیشرفته، حکومت های عملگرا و بهبود شرایط زندگی، جایگاه دین دچار تغییر می شود (RAM, et al, 2004:17). به طور کلی نظریات کلاسیک عرفی شدن دارای چهار خصیصه هستند: توصیفی اند، دین را پدیده ای متعلق به دوران گذشته قلمداد می کنند، مدعی افول دین هستند و در نهایت دارای چهار چوبی تک بعدی اند.

در رهیافت جامعه شناسان جدید پیرامون دین، می توان گفت: گفتمان حذف و افول جایگاه ادیان، به گفتمان تغییر و رواج مجدد تغییر یافته است. حتی برخی نظریه پردازان که ابتدا افول آن را حتمی می دانستند با پذیرش اشتباه خود، در نظریات جدید بر نقش دوباره دین در جامعه تاکید کردند. برگر از جمله کسانی است که توانسته است، مباحث نظری جامعه شناسی دین را به نحو برجسته ای مطرح کند (علمی و حسن زاده ۱۳۸۶، ۷۰). او یکی از مهم رین نظریه پردازان معاصر در زمینه فرایند عرفی شدن است. به نظر برگر با تقسیم کار گسترده در جوامع جدید و تخصصی شدن امور و به وجود آمدن نهادها و ساختارهای اجتماعی جدید، زیست جهان های متعددی در جامعه شکل می گیرد. به بیان دیگر، جامعه با چند گانه شدن زیست جهان ها مواجه می شود و وظیفه قدیمی دین مورد تهدید جدی قرار می گیرد. در رهیافت برگر، جامعه به مثابه دیالکتیکی بین واقعیت های عینی و معانی ذهنی نگریسته می شود؛ یعنی تعاملی دو سویه

متاخرترین این بازخوانی ها، هابرماس به طرح مفهوم جامعه پساسکولارمی پردازد و این رویکرد با خود موجب توجه به بحث از بازگشت مذهب به عنوان یک پدیده اجتماعی می شود (Barbato & Kratochwil, 2009). با این حال ادبیات مربوط به عرفی شدن همچنان از نفوذ و تأثیرگذاری قابل توجهی برخوردار است. باید توجه داشت که بحث از عرفی شدن خود مرتبط با عوامل مرتبط با شناخت ادیان در جهان معاصر است و این مهم البته تأثیرگذار بر بخش های مختلف زندگی انسانی است، چه همان طور که برخی نویسندگان یاد آور شده اند، نگرش افراد نسبت به جهان که توسط خصوصیت تجربه دینی تعیین و برانگیخته می شود، در ارزیابی انسان از جنبه های اصلی زندگی انسانی و در صور فعالیت او تأثیری گذارد (واخ، ۱۳۸۰: ۴۸).

با نگاهی به آراء و نظریات مطرح شده پیرامون فرایند عرفی شدن مشخص می شود، نظریه پردازان کلاسیک علی رغم وجود برخی تفاوت نظرها در حول فرایند عرفی شدن، نقاط اشتراکی نیز دارند. برخی از ایشان بر این باورند که با نوسازی جامعه و ظهور صورت بندهای ارتباطی جدید در حیات بشر، تفوق ادیان برگستره حیات اجتماعی تضعیف می شود. عمده پایه گذاران اصلی نظریه اجتماعی مانند مارکس، دورکیم و ماکس وبر معتقد بودند که با توسعه نهادهای جدید، جایگاه معتقدات دینی دچار تغییر می شود و با ظهور جامعه صنعتی، شاهد کاهش نقش ادیان در جامعه خواهیم بود (گیدنز ۱۳۷۸: ۲۸۹؛ اینگلهارت ۱۳۸۷: ۱۷). تئوری عرفی شدن ادعا می کند در صورت پیدایش عقلانیت علمی و

بین آنچه به عنوان واقعیتی بیرونی تجربه می‌شود (به طور مشخص، نهادهایی که فرد با آن مواجه می‌شود) و آنچه به عنوان آگاهی درونی به فهم در می‌آید. این رهیافت به تبعیت از جامعه‌شناسی آلفرد شووتس و فلسفه ادموند هوسرل، آگاهی را مفهوم مرکزی خود قرار داده است و واقعیت تام اجتماعی را دارای مؤلفه‌ی اساسی آگاهی می‌داند (همان: ۲۵) و وظیفه جامعه‌شناسی شناخت را ربط دادن ساخت‌های آگاهی به نهادها و فرایندهای نهادین می‌داند. اولین پیامد این وضعیت متکثر برای حوزه‌ی دین خصوصی شدن آن است (برگر و دیگران، ۱۳۸۱: ۸۸). برگر ویژگی متکثر وضعیت مدرن را مسأله‌ی جدی برای دین می‌داند. این وضعیت به نابودی دین نمی‌انجامد؛ اما به ظهور آنچه وی «بازار دین» می‌نامد، منجر می‌شود. اما تاثیرات برآمده از وضعیت متکثر، تنها به جنبه‌های اجتماعی، ساختاری دین محدود نمی‌شود؛ بلکه به محتوای دین نیز سرایت می‌کند. دین در وضعیت متکثر قابل تحمیل نیست و باید بازاریابی شود و از آنجا که عرضه کالا به مصرف‌کنندگانی که مجبور به مصرف نیستند، بدون در نظر گرفتن نظر آنها درباره آن کالا تقریباً غیر ممکن است، محتویات دین نیز با سلیقه مصرف‌کنندگان وفق داده می‌شود. البته منظور این نیست که ترجیحات مصرف‌کنندگان محتویات اصلی دین را تعیین می‌کنند. به نظر برگر این ترجیحات، نیروی تغییرند بدون آنکه جهت تغییر را تعیین کنند (همان). به بیان خود برگر، «تکثرگرایی بر چگونگی باور دینی اثر دارد؛ اما نه لزوماً بر چیستی آن» (توسلی، ۱۳۸۵: ۱۰۱). از نظر برگر برای توضیح این که چرا گروه‌ها و حوزه‌های معینی از جامعه

جدید بیشتر مستعد عرفی شدن هستند، می‌توان از مفهوم عقلانی شدن و بر بهره‌گرفت. به بیان او اگر چه دنیوی شدن ممکن است، همچون پدیده‌ای جهانی در جوامع جدید مورد توجه قرار گیرد؛ ولی به طور یکسانی در آنها اشاعه نیافته است و گروه‌های مختلف جمعیت به طور متفاوتی از آن متأثر شده‌اند. چنین استنباط می‌شود که تأثیر عرفی شدن بر مردان بیش از زنان، بر افراد میان‌سال بیش از افراد خیلی جوان و پیر، بر طبقاتی که به طور مستقل با تولید صنعتی جدید سروکار دارند (مخصوصاً طبقه کارگر) بیش از طبقاتی که به مشاغل سنتی‌تر مشغول‌اند (مانند صنعتگران و مغازه‌داران کوچک)، بر پروتستان‌ها و یهودی‌ها بیش از کاتولیک‌ها (کنت و دیگران، ۱۳۸۱: ۳۹)، و بر افراد دارای تحصیلات عالی؛ بخصوص در علوم انسانی، بیشتر از دیگران، می‌باشد (سراج زاده، ۱۳۸۳: ۵۱). برگر در اواخر دهه ۸۰ میلادی و در چرخشی آشکار در مواضع پیشین خود، در مقاله‌ای تحت عنوان «بر خلاف جریان» اعلام کرد که ایده‌ی دنیوی شدن مبتنی بر سوء تفاهم است (برگر، ۱۳۷۷). وی که تا پیش از این سعی داشت بر اساس متکثر بودن جهان مدرن مرگ دین را تئوریزه کند، اقرار داشت که اساس ایده‌ی دنیوی شدن سوء تفاهمی ناشی از آموزه‌ها و تعالیم فلسفه روشنگری است که امروزه در پی بازناندیشی و انتقادات وارد شده به مدرنیته بیشتر از هر زمان دیگری بطلان آن روشن شده است. او در سال ۱۹۹۷ ضمن حمله به دانشگاهیان که پروژه‌های پرهزینه پژوهشی درباره‌ی بنیادگرایی دینی اجرا می‌کنند، اعلام داشت که دنیای

بسیاری از مذاهب عمده قادر به ارائه جبران کننده‌های کارساز و مؤثر نیستند، چون مفاهیم بسیار مبهمی از مافوق طبیعت‌گرایی را برمی‌گزینند و این از کارایی جبران کننده‌ها بشدت می‌کاهد (همان).

دیوید مارتین، جامعه‌شناس انگلیسی در زمره افرادی است که با مطالعات تجربی فراوان در پی تغییرات در مفاهیم سنتی حوزه عرفی شدن است. وی نه با مفهوم سکولار سازی، به عنوان یک روند خطی و بازگشت ناپذیر مخالف بود و نه با مفهوم سکولار سازی به عنوان یک جریان پیچیده و مبهم (ویلیم، ۱۳۷۷: ۱۳۴). مارتین در مطالعه‌ای بر روی الگوهای مختلف عرفی شدن به این نتیجه می‌رسد که به جز بستر اجتماعی وجود تکثر یا انحصار مذهبی، این خصلت ذاتی یک سنت دینی است که بر ماهیت و نوع عرفی شدن تأثیری گذار است (شجاعی زند، ۱۳۸۰: ۵۵). به نظر مارتین شواهد تجربی ثابت می‌کنند که عرفی شدن باصنعتی شدن، پرولتاری شدن، شهری شدن و تحرکات اجتماعی در ارتباط است، همچنان که با تمایز نهادی؛ یعنی جزء جزء شدن نقش دینی فرد نیز مرتبط می‌باشد (زارع، ۱۳۸۴: ۱۰).

برایان ویلسون، یکی دیگر از برجسته‌ترین چهره‌های تز عرفی شدن در جامعه‌شناسی ادیان است (ویلیم، ۱۳۷۷: ۱۳۹). اهمیت و نفوذ وی به حدی است که برخی پیدایش رسمی این بحث را به کار و در ۱۹۹۶ نسبت می‌دهند (Proctor, 2006: 166). او بر عوامل خارج از سنت مسیحی که حاکم بر فراگرد عرفی شدن هستند تأکید بیشتری می‌کند، در اینجا نیز رشد عقلانیت است که نقش اساسی بازی می‌کند؛ اما

امروز همان قدر مذهبی است که همیشه بوده است. در همین راستا، ایده سکولارزدایی از جامعه نضج گرفت.

شاید منظم‌ترین کوششی که در جهت ارائه نظریه‌ای عام درباره دین انجام گرفته، کار استارک و بین بریج باشد (همیلتون، ۱۳۷۷: ۳۱۹). آن‌ها در کتاب آینده دین (۱۹۸۵) رویکرد تازه‌ای به موضوع عرفی شدن در پیش گرفتند. آن‌ها برخلاف برگر در تحلیل موضوع خود از عرفی شدن توجه چندانی به ریشه‌های تاریخی این پدیده ندارند، بلکه وضعیت فعلی دین در جامعه مدرن را بررسی می‌کنند. به عبارت دیگر، نظریات استارک واکنشی به نظریات افراطی است که پس از طرح نظریه برگر رواج پیدا کرده بودند. جالب این که استارک نیز همچون برگر در انتهای قرن بیستم وجود فرایندی اجباری و الزامی به عنوان عرفی شدن را انکار کرد و ابراز داشت که میلیون‌ها نفر با اعتقاد دینی بخوبی زندگی می‌کنند (Featherston, 2007: 81). به هر حال استارک و بین بریج عامل اصلی عرفی شدن را رشد علم به شمار می‌آوردند. نکته مهم این است که عرفی شدن از نظر این دو معادل زوال دین نیست. صرف وجود علم به معنای این نیست که اضطراب وجود یا میل به پاداش‌های دست نیافتنی از بین رفته‌اند (جلیلی، ۱۳۸۳: ۸۱). از نظر آن‌ها آسیب‌پذیری ادیان سنتی در مقابل علم موجب عرفی شدن فراینده ادیان سنتی شده است. از نظر استارک و بین بریج واکنش در مقابل عرفی شدن دارای دو شکل عمده است: ۱- تجدید حیات دینی ۲- نوآوری. از سوی دیگر آن‌ها استدلال می‌کنند که سازمان ادیان سنتی بر اثر قرن‌ها تعارض با علم فرسوده و تضعیف شده‌اند. در واقع

ویلسون نیز مانند بیشتر نویسندگانی که بر چنین عوامل خارجی تاکید می‌ورزند، برای رشد مستقل دانش و روش علمی اهمیت اساسی قایل می‌شود. استدلال ویلسون این است که رشد علمی اعتبار تفسیرهای مذهبی درباره جهان را تضعیف کرده است و بشارت هزاره‌ای دین و قابلیت مشروع سازی و توجیه نظم اجتماعی آن، تضعیف شده است (همیلتون، ۱۳۷۷: ۳۰۱). ویلسون عرفی شدن را با زوال اجتناب ناپذیر دین یکی نمی‌داند، همین طور عقیده ندارد که عرفی شدن جامعه به این معنا است که همه انسان‌های آن جامعه، یک وجدان و آگاهی عرفی شده را انتخاب کرده‌اند، یا اینکه آنها دیگر هیچ گونه علاقه‌ای به دین ندارند. برای وی عرفی شدن اساساً حاصل جریان عقلانی ساختن تشکیلات مدرن و نیز استقلال و خودرایی فزاینده نهادها، مؤسسه‌ها و آداب و اعمال اجتماعی از امر دین می‌باشد، استقلالی که به انسان اجازه می‌دهد بتواند از طریق اعمال و پروژه‌های خویش، شرایط زندگی خود و جامعه را تغییر دهد. به نظر او، از شاخص‌های مهم عرفی شدن، افت شدید مقدار ارزشی است که یک جامعه برای امور ماوراءالطبیعه قائل است (ویلیم، ۱۳۷۷: ۱۴۰). ویلسون در فرق گذاشتن بین اهمیت اجتماعی دین و خود دین، دقیق است. ما نباید این امکان را نادیده بگیریم که دین ممکن است اهمیت اجتماعی خود را از دست بدهد، در حالی که به عنوان موضوعی دارای اهمیت زیاد برای دینداران باقی بماند (بروس، ۱۳۸۷: ۵۷). به عبارت دیگر این امکان وجود دارد که کشوری که به طور رسمی و علنی سکولار است، در میان جمعیتش، عدّه کثیری زندگی کنند که عمیقاً دیندار هستند. به نظر او، اگر

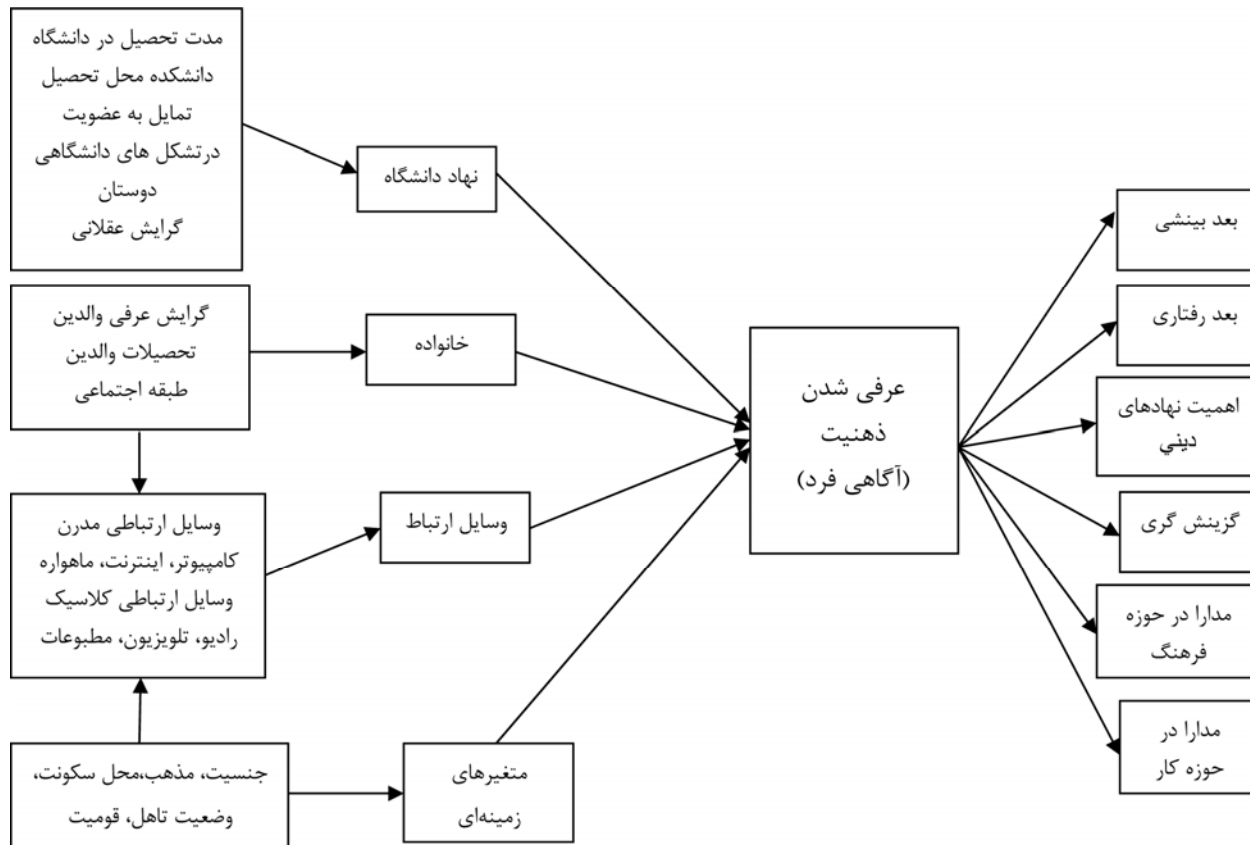
بخواهیم عرفی شدن را به اجمال تعریف کنیم، می‌توانیم بگوییم: فرایندی است که طی آن وجدان دینی، فعالیت‌های دینی و نهادهای دینی، اعتبار و اهمیت اجتماعی خود را از دست می‌دهند و این بدان معنا است که دین در عملکرد نظام اجتماعی به حاشیه رانده می‌شود (ربانی، ۱۳۷۹: ۱۷).

با این حال جامعه‌شناسان همزمان متذکر می‌شوند که دین هر جا که از عهدۀ ایفاء برخی کارکردهای اجتماعی ضروری برمی‌آید، دوباره در کانون توجه ذهنی و فکری ما قرار خواهد گرفت و لذا تصوّر اولیه مبتنی بر به حاشیه رانده شدگی دین نیازمند بازنگری خواهد بود (همیلتون، ۱۳۷۷). این امر خود نشان می‌دهد چگونه ادبیات مربوط به عرفی شدن خود نیازمند بازسازی در جنبه‌های مختلف خود است تا برغنا و استواری خود بیفزاید. همزمان با پیدایش انواع جنبش‌های مذهبی در دهه‌های اخیر نیز این گرایش به بازنگری را تقویت می‌کند. مجموعه‌ای از انتقادات نیز در این زمینه صورت‌بندی شده‌اند که هر یک ناظر بر بخش‌های مختلفی از ادعاهای مربوط به عرفی شدن در جهان معاصر هستند. این انتقادات؛ از جمله به کارکردهای علم در جهان معاصر (جلیلی، ۱۳۸۵: ۹۲) ظهور جنبش‌هایی نوین دینی (علیزاده، ۱۳۸۳: ۴۹) و در نظر گرفتن عرفی شدن همچون فرایندی طولانی مدت و نه مقطعی (بروس، ۱۳۸۷: ۱۲۶) نظر دارند.

به طور کلی می‌توان گفت در نظریات معاصر عرفی شدن، عرفی شدن در مرکز مباحثات نظری مربوط به دین جای گرفته است. علاوه بر این، دین به مثابه پدیده‌ای در

همین رو، می توان انتظار داشت که واکنش ها در مقابل عرفی شدن نیز کاملاً همسان نباشند و خود تابعی از متغیرهای مختلف تلقی گردند. در واقع این واکنش ها، پاسخ های متفاوتی هستند که درباره مطلوبیت یا عدم مطلوبیت فرایند عرفی شدن از سوی افراد، گروه های اجتماعی و بخش های مختلف جامعه عرضه می شوند. بدیهی است پرسش درباره مطلوبیت یا عدم مطلوبیت این فرایند از جمله می تواند توسط اندیشمندان ادیان، جامعه شناسان، دین پژوهان و... مورد بحث و بررسی قرار گیرد، این بررسی ها خود تابع مقتضیات و منطق حاکم بر مباحث هر حوزه از علوم و دانش های مربوط به آنان خواهد بود. در مجموع می توان مدل زیر را به عنوان مدل تحلیلی تحقیق ارائه نمود:

معرض تغییر و تحول در نظر گرفته می شود. نظریات مزبور، بازسازی و تغییر جایگاه ادیان را مد نظر دارند و چارچوبی چند بعدی را برای تحلیل واقعیات مرتبط با دین در جامعه به کار می گیرند. در نهایت و در راستای کوششی برای ارائه تعریفی از عرفی شدن که بتواند راهگشای تحقیق باشد، می توان گفت عرفی شدن، فرایندی چند بعدی است که ناظر بر تحول در موقعیت ادیان و مذاهب (و بالتبع نهادهای وابسته به آن ها) در جامعه بوده و تحت تأثیر عوامل متعددی قرار دارد. باید اضافه نمود که جهات و ابعاد مختلف این پدیدار اجتماعی الزاماً به طور هماهنگ و همزمان تحول نمی یابد، ضمن آن که تغییرات مزبور مسیر، راستا، شدت، سرعت و لذا پیامدهای کاملاً یکسان و یکنواختی را به دنبال ندارد. از



چارچوب روش تحقیق فرضیات تحقیق

- به نظر می‌رسد میزان عرفی شدن مردان بیش از زنان باشد. این فرضیه در راستای ارزیابی تأثیر متغیر جنسیت بر میزان عرفی شدن مطرح شده است و آزمون آن مشخص می‌سازد، آیا تفاوت معنا داری میان زنان و مردان در این رابطه وجود دارد.

- به نظر می‌رسد بین عرفی شدن پاسخگویان ساکن شهر و روستا تفاوت معناداری وجود دارد. در این فرضیه، خاستگاه اجتماعی پاسخگویان مد نظر قرار گرفته است. در واقع این فرضیه به آزمون این موضوع می‌پردازد که آیا وضعیت پیشین دانشجویان قبل از ورود به دانشگاه و در حین تحصیل می‌تواند میزان و جهت عرفی شدن آن‌ها را از خود متأثر سازد.

- به نظر می‌رسد بین نوع مذهب و عرفی شدن پاسخگویان تفاوت معناداری وجود دارد. این فرضیه با توجه به تعلق مذهبی پاسخگویان، وضعیت عرفی شدن را می‌سنجد.

- به نظر می‌رسد بین قومیت دانشجویان و عرفی شدن آنها رابطه معنی داری وجود دارد. در مناطقی که تنوع قومی آشکاری در آن‌ها وجود دارد، می‌توان متغیر قومیت را به عنوان عاملی تأثیرگذار بر عرفی شدن مد نظر قرار داد. این فرضیه به آزمون وجود یا عدم وجود رابطه در این باره می‌پردازد.

- به نظر می‌رسد بین تحصیل در دانشکده‌های مختلف و عرفی شدن دانشجویان تفاوت معنا داری وجود

دارد. این فرضیه با توجه به تأثیرگذاری احتمالی رشته‌های تحصیلی مختلف بر فرایند عرفی شدن مطرح شده است.

نوع تحقیق

این بررسی از نوع پیمایشی است و برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسش‌نامه‌ای با ۱۰۰ سؤال و گویه استفاده نموده‌ایم. جامعه آماری، کلیه دانشجویان دختر و پسر مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشگاه بوعلی سینا در سال تحصیلی ۱۳۸۷-۱۳۸۸ هستند که مجموع آنها ۱۰۷۱۴ است. از این تعداد ۴۶۱۶ نفر را دانشجوی پسر و ۶۰۹۸ نفر را دانشجوی دختر تشکیل می‌دهند. ۳۷۶ نفر از آن‌ها با استفاده از فرمول کوکران و مطابق محاسبه زیر برگزیده شده‌اند:

$$n = (10714 * (1.96 * 1.96) * (0.5 * 0.5)) / ((10714 * (0.05 * 0.05)) + (1.96 * 1.96) * (0.5 * 0.5)) = 376$$

(در این محاسبه، از درجه اطمینان (سطح خط) ۰.۰۵،

استفاده شده است. مقدار آماره t نیز در سطح معناداری ۹۵ درصد اطمینان برابر ۱.۹۶ بوده است).

روش نمونه‌گیری طبقه‌ای (نامتناسب) و نمونه‌گیری تصادفی ساده بوده است. واحد مشاهده فرد (دانشجو) است. برای بررسی روابط میان متغیرها، با استفاده از نرم افزار spss17 و با روش‌های آماری توصیفی و استنباطی به تجزیه و تحلیل داده‌ها پرداخته‌ایم.

متغیرهای مستقل

برخی متغیرهای مستقل مورد استفاده در این تحقیق را می‌توان چنین برشمرد: جنسیت، خاستگاه اجتماعی، نوع مذهب، قومیت، رشته‌های تحصیلی.

نحوه سنجش متغیر وابسته (عرفی شدن)

در این بررسی عرفی شدن با شش بعد سنجیده شده است. الف) عرفی شدن بعد بینشی که عبارت است از تحولاتی که در طول زمان در بینش‌ها، باورها و اعتقادات دینی فرد اتفاق می‌افتد و مصادیق آن در تغییر باورهای فرد پیرامون خداوند، پیامبران، بهشت و جهنم، قیامت، و... قابل مشاهده است.

ب) عرفی شدن بعد رفتاری (رفتار فردی، جمعی رسمی و جمعی غیر رسمی) که به این معناست که میزان اهمیت رفتارهای دینی برای فرد کم شده و فرد پایبندی کمی نسبت به رفتارهای دینی دارد (بخصوص رفتارهای دینی جمعی).

ج) عرفی شدن بعد اهمیت نهادهای دینی که به معنای از دست رفتن نفوذ و اقتدار نهادها و چهره‌های وابسته به آن‌هاست. در نتیجه، افول نهادهای دینی که برداشت رسمی از دین را ارائه می‌دهند، تفسیرهای شخصی از دین رواج می‌یابد.

د) گزینش‌گری به عنوان بعد چهارم عرفی شدن عبارت است از اینکه فرد با وجود دیندار بودن رفتارهایی مغایر با آموزه‌های دینی انجام دهد و از میان آن‌ها به صورت گزینشی برخی را انجام دهد و برخی را نیز انجام ندهد. بر اساس نظریات کسانی چون پیتر برگر در نتیجه وقوع پدیده عرفی شدن، افراد برخوردار از متساهلانه با برخی اعمال و آموزه‌های دینی دارند و عنصر ترجیح و گزینش‌گری به حوزه آگاهی و رفتار افراد وارد می‌شود.

ه) بعد پنجم و ششم عرفی شدن، مدارای دینی است. مدارای دینی به معنای احترام به عقاید و رفتارهای فردی است که از آیین و دین ما نیست و یا هم دین ما است، اما باورهای و رفتار دینی ما را ندارد. یکی از پیامدهای عرفی شدن، افزایش مدارا در میان افراد است. در این بررسی مدارای دینی در دو حوزه فرهنگ و کار سنجیده شده است.

شیوه نمره‌گذاری

شیوه نمره‌گذاری و سطح بندی بر این اساس بوده است که ابتدا نمرات افراد در طیف لیکرت پنج گزینه‌ای با هم جمع شده و یک مجموعه نمره برای هر فرد محاسبه گردیده است و سپس به دلیل پراکندگی پاسخ‌ها در برخی گزینه‌ها، این پنج گزینه در چهار گزینه ادغام شده‌اند. لذا نمره مرحله اول افراد در گویه‌های طیف از ۱ تا ۵ بوده و در نهایت در چهار دسته ادغام گردیده‌اند.

اعتبار و روایی

برای بررسی اعتبار گویه‌ها از اعتبار صوری^۱، سازه‌ای^۲ و همگرا^۳ استفاده شده است. اعتبار صوری پرسشنامه توسط اساتید و صاحب‌نظران متخصص مورد بررسی و تأیید قرار گرفت. برای اعتبار سازه‌ای گویه‌های مربوط به سنجش عرفی شدن، هم برای کشف عامل یا عوامل زیر ساز مجموعه‌های متغیرها، هم برای بررسی روابط میان سازه‌ها و هم برای ارزیابی انتظارات تئوریک،

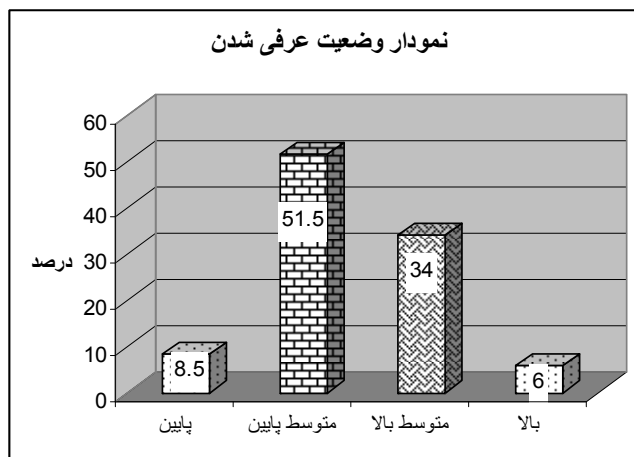
1. face validity

2. construct validity

3. convergent validity

بالا یا متوسط به بالا هستند. بر این اساس میزان عرفی شدن در میان دانشجویان چندان بالا نیست.

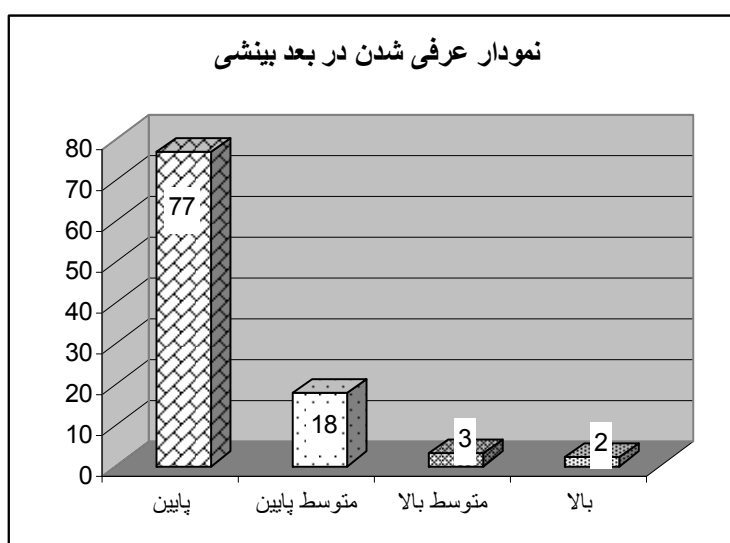
مندرجات جدول بالا نشان می‌دهد، میزان عرفی شدن دانشجویان بیشتر در سطح پایین و متوسط به پایین است (۶۰ درصد). ۴۰ درصد نیز دارای سطح عرفی شدن



نمودار شماره ۱- وضعیت عرفی شدن دانشجویان

دارای گرایش عرفی پایین و متوسط پایینی هستند. تنها ۵ درصد دانشجویان در بعد بینشی دارای گرایش عرفی بالایی هستند. نمودار وضعیت عرفی شدن در این بعد هم در زیر جدول گزارش شده است.

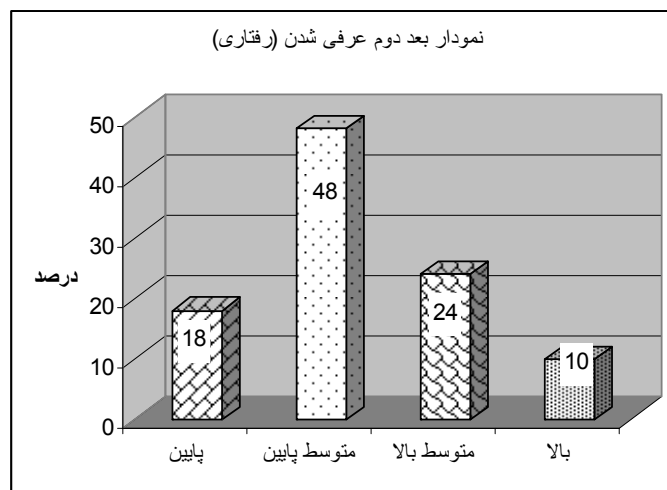
اما در جداول و نمودارهای زیر فراوانی‌ها و درصدهای عرفی شدن دانشجویان در ابعادش به صورتی مجزاً گزارش شده است. همچنین در جدول شماره (۲) وضعیت عرفی شدن دانشجویان در ابعاد مختلف نیز گزارش شده است. در بعد بینشی، ۹۵ درصد دانشجویان



نمودار شماره ۲- عرفی شدن در بعد بینشی

بالا هستند. در مجموع گرایش عرفی دانشجویان در این بعد پایین است. نمودار مربوط هم به صورتی جزئی این مطلب را تأیید می‌کند.

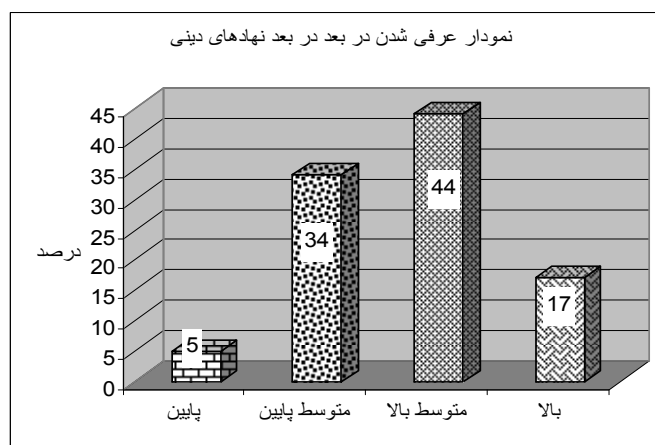
در بعد دوم یا بعد رفتاری گرایش عرفی، ۶۶ درصد دانشجویان دارای گرایش عرفی پایین یا متوسط به پایین و ۳۴ درصد دارای گرایش عرفی رفتاری متوسط به بالا یا



نمودار شماره ۳- عرفی شدن در بعد رفتاری

هستند. بر این اساس دانشجویان در خصوص نهادهای دینی و اهمیت آنها گرایش عرفی بیشتری نسبت به ابعاد قبلی دارند.

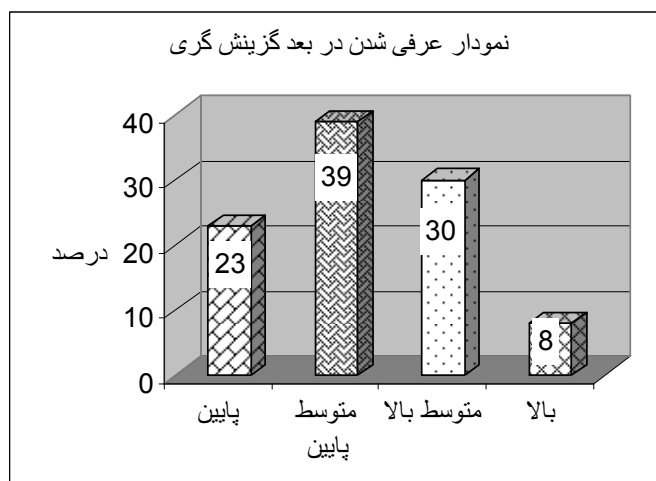
اما در بعد اهمیت نهادهای دینی تغییری به سمت افزایش گرایش عرفی دانشجویان دیده می‌شود. ۶۱ درصد دانشجویان در مقابل ۳۹ درصد دیگر گرایش عرفی بالا یا متوسط به بالایی در خصوص اهمیت نهادهای دینی



نمودار شماره ۴- عرفی شدن در بعد نهادهای دینی

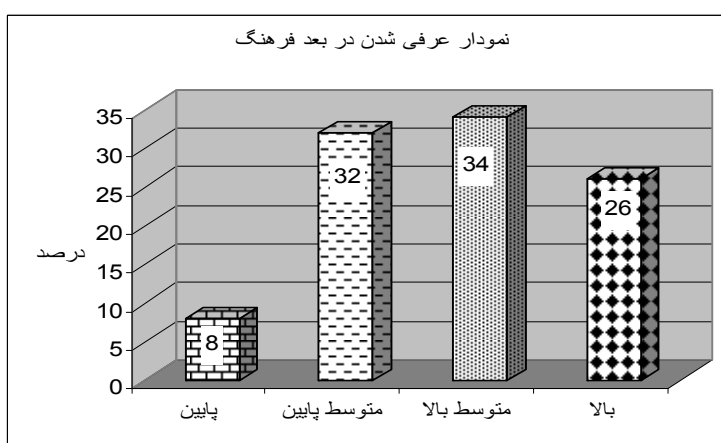
برخلاف بعد اهمیت نهادهای دینی دانشجویان گرایش عرفی پایین تری هستند.

در بعد گزینش گری ۲۳ درصد دارای گرایش عرفی پایین، ۳۹ درصد متوسط پایین و ۳۸ درصد دارای گرایش عرفی بالا و متوسط بالا هستند؛ بر این اساس در این بعد



نمودار شماره ۵- عرفی شدن در بعد گزینش گری

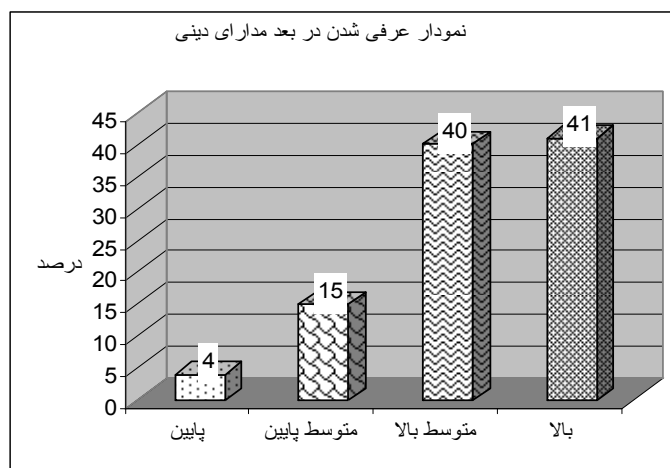
مثل گرایش عرفی در بعد اهمیت نهادهای دینی، دانشجویان در بعد فرهنگ نیز گرایش عرفی تری دارند (۶۰ درصد در مقابل ۴۰ درصد).



نمودار شماره ۶- عرفی شدن در بعد فرهنگ

این امر نشان می‌دهد که دانشجویان مدارای دینی بالاتری را می‌پذیرند و به نوعی تساهل در امور دینی معتقد هستند.

در بعد ششم گرایش عرفی نیز دانشجویان دارای گرایش عرفی بالاتری هستند. رقم گرایش عرفی در این بعد قابل توجه و بالاست (۸۱ درصد در مقابل ۱۹ درصد).



نمودار شماره ۷- عرفی شدن در بعد مدارای دینی درحوزه کار

نهادهای دینی دارای بیشترین گرایش عرفی هستند. گزینش‌گری، بعد بینشی، مدار در حوزه فرهنگ و مدارا در حوزه کار در مراتب بعدی قرار دارند.

رتبه بندی عرفی شدن در ابعاد مختلف

براساس جدول زیر بیشترین میزان عرفی شدن در بعد رفتاری، سپس در مرتبه دوم دانشجویان در بعد اهمیت

جدول شماره ۳- رتبه بندی عرفی شدن

| رتبه | میانگین | بعد |
|------|---------|---------------------------|
| ۴ | ۱۳/۱۶ | بینشی |
| ۱ | ۲۵/۷۷ | رفتاری |
| ۲ | ۲۳ | اهمیت نهادهای دینی |
| ۳ | ۱۹/۶۴ | گزینش‌گری |
| ۵ | ۱۰/۴۴ | مدارای دینی در حوزه فرهنگ |
| ۶ | ۷/۴۴ | مدارای دینی در حوزه کار |

خود ارزیابی دانشجویان از تأثیر عوامل مؤثر بر تغییر آگاهی‌ها

در این بررسی از خود ارزیابی دانشجویان از وضعیت عرفی شدن آنها استفاده شده است، لذا عوامل مدنظر دانشجویان را در این بخش از نگاه خود آنها مورد بررسی قرار می‌دهیم. عاملی که بیشترین تکرار را در بین

دانشجویان داشته دغدغه‌های خود (۴۳/۶) آنها بوده است. بعد از آن دوستان و اطرافیان با (۳۵/۱) درصد، کتاب‌ها و مطالبی که در این دوران مطالعه شده (۲۴/۳) درصد، صحبت‌های برخی استادان (۱۱/۵) درصد و کم‌تر از همه تشکل‌های دانشگاهی با (۹/۲) درصد در رتبه‌های بعدی قرار گرفته‌اند.

جدول شماره ۴- خود ارزیابی دانشجویان از تأثیر عوامل مؤثر بر تغییر آگاهی‌های دینی

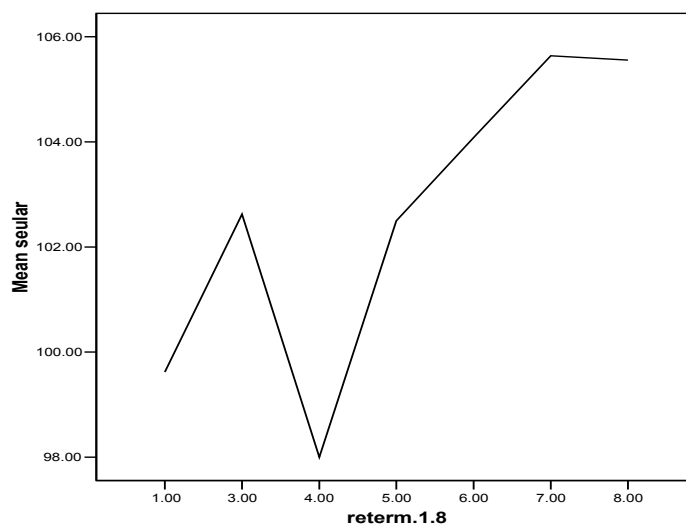
| خیر | بله | فراوانی | | |
|-------|-------|---------|---|-------|
| ۶۴/۹ | ۳۵/۱ | ۱۰۷ | دوستان و اطرافیان | متغیر |
| ۷۶/۳ | ۲۴/۳ | ۷۴ | کتاب‌ها و مطالبی که در این دوران مطالعه کرده ام | |
| ۵۶/۴ | ۴۳/۶ | ۱۳۳ | دغدغه‌های خودم | |
| ۸۸/۵ | ۱۱/۵ | ۳۵ | اظهارات برخی اساتید | |
| ۹۰/۸ | ۹/۲ | ۲۸ | تشکل‌های دانشگاهی | |
| ۳۷۶/۹ | ۱۲۳/۷ | ۳۷۷ | کل | |

مقایسه دانشجویان بر اساس سابقه حضور در

دانشگاه:

نمودار و جدول زیر، میانگین نمرات عرفی شدن افراد را در ترم‌های مختلف نشان می‌دهد. نمودار نوساناتی برای ترم‌های مختلف دارد. از ترم ۱ تا ۳ افزایش داشته،

برای ترم چهارم کاهش یافته و سپس با تغییراتی جزئی از ترم پنجم افزایش یافته است. بر اساس آزمون آماری، تفاوت این میانگین‌ها برای ترم‌های مختلف معنادار نیستند؛ از این رو به این تفسیر چندان نمی‌توان اعتماد کرد.



نمودار شماره ۸- مقایسه میانگین‌های نمرات عرفی شدن دانشجویان در ترم‌های مختلف

جدول شماره ۵- مقایسه میانگین‌های عرفی شدن در بعد بینشی

| میانگین | ترم |
|---------|-------|
| ۸۷/۲۴ | ترم ۱ |
| ۱۰۰/۲۵ | ترم ۲ |
| ۱۰۳/۰۲ | ترم ۳ |
| ۹۸ | ترم ۴ |
| ۱۰۲/۱۲ | ترم ۵ |
| ۱۰۳/۸۸ | ترم ۶ |
| ۱۰۵/۵۲ | ترم ۷ |
| ۱۰۵/۴۱ | ترم ۸ |

(F= 1.46 Sig=0.14)

(ب) آزمون فرضیات تحقیق

بررسی رابطه میان جنسیت و عرفی شدن

براساس آزمون T مقایسه بین میانگین‌های عرفی شدن دانشجویان دختر و پسر، بین این دو گروه به لحاظ میزان گرایش عرفی تفاوت آماری معناداری وجود دارد. براساس جدول آزمون t زیر میانگین عرفی شدن

دانشجویان پسر برابر است با ۱۰۹.۶ این در صورتی است که میانگین عرفی شدن بینشی دانشجویان دختر برابر است با ۹۷.۷. بر این اساس دانشجویان پسر دارای گرایش عرفی بالاتری نسبت به دانشجویان دختر هستند. به این معنی که مردان نسبت به زنان آگاهی عرفی تری داشته‌اند. به بیان برگر، اگر چه دنیوی شدن ممکن استع همچون پدیده‌ای

مختلف جمعیت به طور متفاوتی از آن متأثر شده‌اند.

جهانی در جوامع جدید مورد توجه قرار گیرد، ولی به طور یکسانی در آنها اشاعه نیافته است، لذا گروه‌های

جدول شماره ۶- مقایسه میانگین‌های عرفی شدن دانشجویان دختر و پسر

| میانگین | تعداد | ترم |
|---------|-------|--------------|
| ۱۰۹.۶ | ۱۷۱ | دانشجوی پسر |
| ۹۷.۷ | ۲۰۵ | دانشجوی دختر |

($t= 4.85$, $df=374$, $sig=.000$)

افراد ساکن شهر میانگین عرفی بیشتری (۱۰۴.۹۹) نسبت به دانشجویان ساکن روستا (۹۵.۱) دارند.

بررسی رابطه میان خاستگاه اجتماعی و عرفی شدن

نتایج بررسی نشان می‌دهد که بین محل سکونت افراد و عرفی شدن آنها رابطه معنی‌دار وجود دارد و

جدول شماره ۷- مقایسه میانگین‌های عرفی شدن دانشجویان شهری و روستایی

| میانگین | تعداد | ترم |
|---------|-------|-----------------|
| ۱۰۴.۹۹ | ۳۰۵ | دانشجوی شهری |
| ۹۵.۱ | ۷۰ | دانشجوی روستایی |

($t= 3.09$, $df=373$, $sig=.002$)

نتایج آزمون فرضیه قومیت و عرفی شدن نشان می‌دهد که بین قومیت و عرفی شدن رابطه معناداری وجود ندارد.

بررسی تفاوت‌های دانشجویان دانشکده‌های مختلف از حیث عرفی شدن آنان:

نتایج بررسی در زمینه ارتباط معنادار بین تحصیل در دانشکده‌های مختلف و عرفی شدن آنها رابطه معناداری را نشان می‌دهد. اما نتایج آزمون‌های تبعی نشان می‌دهد؛ که

بررسی ارتباط میان نوع مذهب و عرفی شدن

مطالعه نوع مذهب و عرفی شدن از آن رو اهمیت دارد که در مطالعات پیشین صورت گرفته درباره دین و عرفی شدن غالباً این متغیر در نظر گرفته نشده است. نتایج بررسی فرضیه نشان می‌دهد که بین نوع مذهب (شیعه یا سنی بودن) و عرفی شدن رابطه معناداری وجود ندارد.

بررسی رابطه میان قومیت دانشجویان و عرفی شدن آنان

ناسازگاری میان گستره رفتارهای دینی با سایر ابعاد دین داری قابل مشاهده خواهد بود.

باتوجه به نتایج حاصل از آزمون فرضیات مشخص می‌شود، جنسیت عاملی تأثیرگذار بر فرایند عرفی شدن بوده و مردان عرفی شدن بیشتری را نسبت به زنان تجربه می‌کنند. از سوی دیگر، شهرنشینان نسبت به روستا نشینان بیشتر در معرض این پدیده هستند. نتایج همچنین نشان می‌دهند بین نوع مذهب (شیعه یا سنی بودن) و نیز قومیت پاسخگویان با عرفی شدن رابطه معناداری وجود ندارد. همچنین مشخص گردید، دانشجویان دانشکده فنی آگاهی عرفی بیشتری نسبت به دانشجویان سایر رشته‌ها دارند.

یافته‌های این بررسی نشان می‌دهند که میزان بینش‌های دینی دانشجویان در سطح بالایی ارزیابی می‌شود، هرچند تغییراتی در این باورها در طول مدت تحصیل شکل گرفته است؛ اما هنوز عرفی شدن در بعد بینشی سطح نازلی دارد. به عبارت دیگر، ۸۵ درصد دانشجویان در بعد بینشی، عرفی شدن پایینی دارند. مقایسه دانشجویان ورودی و ترم ۷ به بالا نشان می‌دهد که هرچه مدت تحصیل بیشتر می‌شود، عرفی شدن نیز بیشتر امکان وقوع دارد.

در بعد تمایل به اعمال دینی (مخصوصاً اعمال فردی) نیز یافته‌ها مبین عمومیت آنها در میان دانشجویان است. ۳۳ درصد دانشجویان در این بعد عرفی شدن پایینی دارند. در این بعد نیز با افزایش طول دوره تحصیل بیشتر عرفی شدن به وقوع می‌پیوندد. این یافته‌ها، با نتایج پژوهش‌های دیگر صورت گرفته در این حوزه همخوانی دارد. تقریباً

این تفاوت معنادار مربوط به تفاوت میانگین بالای دانشکده فنی با سایر دانشکده‌هاست. بر این اساس تنها دانشجویان دانشکده فنی آگاهی عرفی بیشتری نسبت به دانشجویان سایر رشته‌ها دارند.

نتیجه‌گیری

متفکران اجتماعی اثرگذار قرن نوزده - آگوست کنت، هربرت اسپنسر، امیل دورکیم، ماکس وبر، کارل مارکس و زیگموند فروید - همگی بر این باور بودند که بتدریج از اهمیت دین در جامعه جدید کاسته می‌شود و با ظهور جامعه صنعتی، شاهد کاهش نقش و جایگاه آن خواهیم بود. در بیشتر سال‌های قرن بیستم مرگ دین عقیده عمومی در علوم اجتماعی بود؛ اما در طی چند دهه گذشته، نظریه مرگ آرام، گریزناپذیر و بی‌وقفه دین مورد انتقادهای فزاینده قرار گرفته است.

از این رو به نظر می‌رسد، برداشت‌ها و پیش‌بینی‌های جامعه‌شناسان حاکم در طول قرن بیستم چندان صائب نبوده و به نوعی یک جنبه نگری منجر گردیده است. تجدیدنظر در بنیان‌های نظریه کلاسیک عرفی شدن، پیامدچنین وضعیتی است. مطابق با چهارچوب نظری این پژوهش، همزمان با توسعه نهادهای مدرن در جامعه ایران زیست جهان‌های اجتماعی متعددی در جامعه ظهور می‌یابند. این زیست جهان‌ها، آگاهی‌های متناسب با شرایط جدید را باز تولید می‌کنند. اولین و مشهورترین پیامد این تحول، تکثرگرایی است. داده‌های تجربی نیز تا حدی مبین این نظر است. در این شرایط، نوعی

این شرایط سبب می‌شود نوعی الگوی خاص عرفی شدن در جوامع مختلف شکل گیرد که ضمن دارا بودن وجوه مشترک با سایر الگوها، از جنبه‌های منحصر به فردی نیز برخوردار باشد.

در نهایت و درباره مشکلات و محدودیت‌های تحقیق باید به چند نکته اشاره نمود. اول آن که چون موضوع پژوهش درباره موضوعی حساس و مهم است، کار سنجش و تحقیق مستلزم صرف دقت و درک حساسیت‌های مضاعف بوده است، همچنین با توجه به تنوع و گستردگی ادبیات مرتبط با عرفی شدن از یک سو و عدم یکنواختی جامعه مورد مطالعه؛ یعنی دانشجویان، کار تحقیق دچار برخی مشکلات بوده است. در پایان و به عنوان پیشنهاد پژوهشی می‌توان گفت شایسته است تأثیرات برآمده از نهاد خانواده به شکل دقیق‌تری در ارتباط با پدیده عرفی شدن مورد بررسی قرار گیرد. همچنین به واسطه تأثیرات روزافزون برآمده از گسترش رسانه‌های جمعی، باید نقش رسانه‌ها را در این باره با دقت نظر بیشتری مورد توجه قرار داد.

منابع

- ۱- آقاجری، هاشم (۱۳۸۱)، گفتاری در باب سکولاریسم: مفهوم، مبانی، مسایل و حیطه‌های آن، مجموعه مقالات: حکومت دینی و حکومت دموکراتیک، تهران: ذکر، ص ۲۷۲-۲۱۱.
- ۲- آقایی، محمد رضا (۱۳۷۸)، دین، عرفی شدن و توسعه، مجله معرفت، شماره ۳۰، ص ۴۴-۳۳.

همه پژوهش‌های صورت گرفته حاکی از آن است که بینش دینی دانشجویان در حد بالایی قرار دارد و پابندی آنها به اعمال فردی دینی قابل قبول است. اما میزان پابندی آنها به اعمال جمعی رسمی در حد کمی است.

در بعد اهمیت نهادهای دینی، فقط ۱۲ درصد پاسخگویان میزان عرفی شدن پابینی داشته‌اند. تئوری عرفی شدن مدعی است که در فرایند عرفی شدن از اهمیت نهادهای (رسمی) دینی کاسته می‌شود. باید همچون ویلسون در فرق گذاشتن بین اهمیت اجتماعی دین و خود دین، دقیق بود. ما نباید این امکان را نادیده بگیریم که دین ممکن است، اهمیت اجتماعی خود را از دست بدهد، در حالی که به عنوان موضوعی دارای اهمیت زیاد برای دینداران باقی بماند. به عبارت دیگر، این امکان وجود دارد که کشوری که به طور رسمی و علنی سکولار است، در میان جمعیتش، عده کثیری زندگی کنند که عمیقاً دیندار هستند. بنابر نتایج در ابعاد گزینش‌گری (برخورد متساویانه با اعمال دینی)، مدارای دینی در حوزه فرهنگ و مدارای دینی در حوزه کار نیز رگه‌هایی از عرفی شدن قابل مشاهده است. این البته ناشی از چندگانه شدن زیست جهان‌های اجتماعی است که در نتیجه آن عنصر ترجیح و گزینش‌گری در باورهای دینی افراد، ظهور یافته است.

به لحاظ تطبیق نتایج حاصل از تحقیق با مدعیات مطرح در نظریات بیان شده در بخش نظری مقاله باید گفت: نتایج این تحقیق نشان می‌دهند، بخشی از مدعیات مزبور صائب و قابل دفاع هستند؛ اما همزمان ضرورت بازاندیشی در مورد آنها کاملاً قابل درک است. در واقع شرایط خاص اجتماعی و تجربیات افراد در ذیل

- ۳- اینگلهارت، رونالد و نوریس، پیاپی (۱۳۸۷)، مقدس و عرفی: دین و سیاست در جهان: کند و کاوی در جوامع مذهبی و غیر مذهبی جهان، تهران: نشر کویر.
- ۴- برگر و دیگران (۱۳۸۳)، ذهن بی خانمان: نوسازی و آگاهی، ترجمه محمد ساوجی، تهران: نشر نی.
- ۵- برگر، پیتر (۱۳۷۵)، غیر دینی شدن منشأ کثرت‌گرایی است، ترجمه لیلی مصطفوی کاشانی، نامه فرهنگ شماره ۲۴، ص ۶۴-۷۳.
- ۶- برگر، پیتر (۱۳۸۶)، منشأ دین از دیدگاه برگر، ترجمه قربان علمی و مهدی حسن زاده، مقالات و بررسی‌ها، دفتر ۸۳، بهار ۸۶، ص ۶۷-۸۶.
- ۷- برگر، پیتر (۱۳۷۷)، برخلاف جریان، ترجمه سیدحسین سراج زاده، ماهنامه کیان، شماره ۴۴، آبان و دی ماه.
- ۸- بروس، استیو (۱۳۸۷)، مدل سکولار شدن غرب، ترجمه محمد مسعود سعیدی، تهران: گام نو.
- ۹- بیلتون و دیگران (۱۳۸۸)، نظریه‌های سکولاریزاسیون و دیدگاه‌های ضد سکولاریزاسی، ترجمه حسن محدثی، مجله اینترنتی فصل نو.
- ۱۰- توسلی، غلامعباس و مرشدی، ابوالفضل (۱۳۸۵)، بررسی سطح دینداری و گرایش‌های دینی دانشجویان، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره هفتم، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۵، ص ۹۶-۱۱۸.
- ۱۱- جلیلی، هادی (۱۳۸۳)، تاملاتی جامعه‌شناختی درباره سکولار شدن، تهران: نشر طرح نو.
- ۱۲- ربانی، گلپایگانی؛ علی (۱۳۸۱)، ریشه‌ها و نشانه‌های سکولاریسم، تهران: موسسه فرهنگ، دانش و اندیشه معاصر.
- ۱۳- زارع، مریم (۱۳۸۴)، بررسی تغییر نگرش‌ها و رفتارهای دینی جوانان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه تهران.
- ۱۴- سراج زاده، حسین (۱۳۸۳)، چالش‌های دین و مدرنیته، تهران: نشر طرح نو.
- ۱۵- سیلانیان طوسی، علی اصغر، سعیدی نامقی، محمد مسعود (۱۳۸۴)، نگرش سکولار، نظریه‌های سکولاریزاسیون و جامعه‌ما، مجله علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، دوره دوم، شماره ۲، تابستان، پاییز و زمستان.
- ۱۶- شجاعی زند، علی رضا (۱۳۸۳)، عرفی شدن در غرب مسیحی و شرق اسلامی، تهران: موسسه انتشارات امیر کبیر.
- ۱۷- _____ (۱۳۸۵)، بررسی وضعیت دینداری در بین دانشجویان، فصلنامه مطالعات ملی، سال هفتم، شماره ۲.
- ۱۸- _____ (۱۳۸۰)، دین، جامعه و عرفی شدن: جستارهایی در جامعه‌شناسی دین، تهران: نشر مرکز.
- ۱۹- _____ (۱۳۸۱)، عرفی شدن در تجربه مسیحی و اسلامی، تهران: مرکز بازشناسی اسلام در ایران، انتشارات باز.
- ۲۰- _____ (۱۳۸۵)، مسیرهای محتمل در عرفی شدن ایران، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره هفتم، شماره ۱.
- ۲۱- علمی، قربان و حسن زاده، مهدی (۱۳۸۶)، منشأ دین از دیدگاه پیتر ال. برگر، مقالات و بررسی‌ها، دفتر ۸۳، ص ۶۷-۸۶.
- ۲۲- علیزاده، رضا (۱۳۸۳)، عوامل مؤثر بر عرفی شدن دانشجویان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

- order?, European political science review, Vol.1, No.3, pp.317-340.
- 34- Berger, Peter (1976), *The Sacred Canopy: The Elements of a Sociological Theory of Religion*, New York: Anchor book.
- 35- Featherstone, Richard & Katie L. Sorrell (2007), *Sociology Dismissing Religion? The Presentation of Religious Change in Introductory*, Vol.38, No.3, pp:78-98.
- 36- Proctor, James (2006), *Introduction: Theorizing and Studying Religion*, *Annals of the Association of American Geographers*, Vol.96, No.1, pp. 165-168
- 37- Ram A. Cnaan, Richard J. Gelles and Jill W. Sinha (2004), *Youth and Religion, The Generation Goes to Church*, *Social Indicator Research*, pp. 175-200.
- ۲۳- کنت، تاموس (۱۳۸۱)، *دین و ساختار اجتماعی* (مقالاتی در جامعه شناسی دین)، ترجمه علی بهرام پور، محسن محدثی، تهران: نشر کویر.
- ۲۴- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸)، *تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید*، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.
- ۲۵- محمدی، مجید (۱۳۷۷)، *سر درآستان قدسی، دل درگرو عرفی: درآمدی بر جامعه شناسی دین در ایران معاصر*، تهران: نشر قطره.
- ۲۶- نایی، هوشنگ، آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۵)، *سکولاریسم و رابطه آن با تحصیلات عالی*، *مجله جامعه شناسی ایران*، دوره هفتم، شماره ۳، ص ۷۶-۹۳.
- ۲۷- واخ، یواخیم (۱۳۸۰)، *جامعه شناسی دین*، ترجمه جمشید آزادگان، تهران: انتشارات سمت.
- ۲۸- وریچ کاظمی، عباس و فرجی مهدی (۱۳۸۲)، *عرفی شدن و زندگی روزمره، نامه علوم اجتماعی*، شماره ۲۱، ص ۲۴۳-۲۶۹.
- ۲۹- ویلسون، بریان (۱۳۷۵)، *جدا انگاری دین و دنیا*، ترجمه مرتضی اسعدی، *کیان* شماره ۲۲، ص ۳۶-۴۱.
- ۳۰- ویلم، ژان پل (۱۳۷۷)، *جامعه شناسی ادیان*، ترجمه عبد الرحیم گواهی، تهران: تبیان
- ۳۱- همیلتون، ملکم (۱۳۷۷)، *جامعه شناسی دین*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: موسسه فرهنگی انتشارات تبیان.
- 32- Arroyo, Anthony M. Stevens & Puerto Rican (2006), *Secularization with Salsa, Are U.S. Latino Society and Culture Undergoing Secularization?* Brooklyn College, CUNY.
- 33- Barbato, Mariano, & Kratochwil, Friedrich (2009), *Towards a post-secular political*

